

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



پنجاه و دو سال پیش، در روز دوشنبه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ و در کوههای دیلمان، با حمله یک گروه کوچک چریکی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و خلع سلاح آن، صفحه یک رستاخیز سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی در آسمان میهن گشوده شد. در سلسله درگیریهای نابرابر پس از ۱۹ بهمن، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سماعی در نبرد با مزدوران سرکوبگر رژیم شاه به شهادت رسیدند و شش رزمنده دیگر به اسارت درآمدند که رژیم شاه در یک واکنش هراس آلود، آنان را همراه با هفت تن دیگر که در روزهای پیش از ۱۹ بهمن دستگیر شده بودند، پس از شکنجه های بسیار در بیدادگاههای نظامی محاکمه و در سپیده دم روز چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ به جوخه اعدام سپرد.

در این روز رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسماعیل معینی عراقی، اسکندر رحیمی مسچی و هوشنگ نیری جان خود را برای آزادی و رهایی خلق محروم ایران فدا کردند.

حرکت انقلابی گروه جنگل که بازتاب وسیعی پیدا کرد، اقتدار شاه را به سُخره گرفت و به پژواک درد و رنج میلیونها ایرانی که زیر تازیانه و شلاق دیکتاتوری شاه بودند تبدیل و در «آن دیار بیقراران»، قرار همه مدافعان آزادی و برابری و آغازی بر تغییر معادله قدرت مطلق رژیم و ضعف مطلق مردم گردید.

با رستاخیز سیاهکل، جنبش نوین کمونیستی ایران از خاکستر خود سربرآورد و نام سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق ایران بر تارک این جنبش به ثبت رسید.

رزمندگان گروه جنگل می دانستند که در چه راه پرفراز و نشیبی گام گذاشته اند و آماده بودند تا هزینه تصمیم خود را بپردازند. آنان می دانستند در راهی که برگزیده اند هیچ تقدسی وجود ندارد. آنچه که آنها را پیش می بُرد، نیروی انسانیت و عشق به رهایی و برابری بود.

نظریه پردازان ولایت خمینی و خامنه ای تلاش می کنند تا با وارونه کردن تاریخ، آن را جاهلانه در قَد و قواره «انقلاب اسلامی» ترسیم کنند. نقشه ابلهانه آنان این است که نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند. اما رویشها، خیزشها، جنبشها و قیامهای توده ای نشان داد که مبارزه فرودستان و تهیدستان برای «نان، کار و آزادی» و شور و شوق جوانان قیام کننده برای آزادی، سر باز ایستادن ندارد و این چنین است که در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در آمده، «توفان شکوفه» داده و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر شده است.

ما در بیانیه به مناسبت چهل و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل که در بهمن سال ۱۳۹۰ منتشر شد نوشتیم: «معرکه گیران دربار خامنه ای و تئوریسینهایی که به نابودی چپ و بی بدیل بودن نو-لیبرالیسم عنان گسیخته ایمان آورده اند، می کوشند تا سیمای جنبش فدایی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ را مخدوش کنند. اما این تلاشهای مذبوحانه که آبشخور آن نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است، هرگز نتوانسته واقعیت را زیر انبوه چرندیاتی که تحت عنوان «تحقیق» و «بررسی تاریخی» منتشر شده، پنهان کند.»

ما هر سال واکنش یکسان شاه و خمینی را یادآوری می کنیم که مهر تایید بر نقش مهم رستاخیز سیاهکل و جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ می زند. اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهان شان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

خمینی جلاد از همان ابتدا با فرومایگی علیه جنبش پیشتاز فدایی به موضع گیری پرداخت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» موضع حقیرانه و ارتجاعی خمینی آنگونه بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

انقلاب ژینا با پیشتازی زنان

روز ۲۵ شهریور امسال مزدوران خامنه ای زنده یاد ژینا (مهسا) امینی را به قتل رساندند و با ارتکاب این جنایت جرقه جنبش و خیزشی زده شد که با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز و به سرعت تار و پود جامعه را درنوردید و توده بپاخاسته را در برابر نظام حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن قرار داد. انقلابی که از آن روز آغاز شد، جلوه دیگری از بحران و شرایط انقلابی است که با خیزش دی ۱۳۹۶ به مرحله جدیدی از اعتلا پا گذاشت و با قیام قدرتمند هفته آخر آبان ۱۳۹۸، جامعه را وارد کشاکشی کرد که انفجاری بزرگ را در چشم انداز قرار می داد.

مدت کوتاهی پس از مهار قیام آبان که به وسیله کشتار دستکم هزار و پانصد تن از مردم به پا خاسته و دستگیری هزاران تن دیگر میسر شد، امیر محبیان، یکی از تئوریسینهای باند خامنه ای و جریان اصولگرا، در سمیناری که گزارش آن را خبرگزاری ایرنا در روز پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۸ پوشش داد، به انباشت خشم و نفرت مردم اعتراف کرد و گفت: «جامعه ما هم اکنون روی «بمب اجتماعی» قرار داشته که هر لحظه احتمال انفجار آن وجود دارد. نباید از کنترل آن پدیده با هر روشی خوشحال باشیم، بلکه باید بدانیم این موارد در حال نزدیک تر شدن به یکدیگر هستند. با این رویکرد من فعل کاهنده نمی بینم

بلکه خشونت بیشتر و نفرت بیشتر را می‌بینم...». آری، ضامن «بمب اجتماعی» روز ۲۵ شهریور کشیده شد و انفجار عظیمی در سپهر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایجاد کرد که گستره، پهنا و عمق آن تمام کشور را دربر گرفت و تاکنون ضربه جبران ناپذیری بر بنیاد حکومت وارد کرده است. تمامی گروه‌های اجتماعی جبهه خلق با پیشتازی زنان، اساس ولایت بیدادگر خامنه‌ای با تمامی دسته بندیها و باندهای درونی آن را مورد تهاجم قرار داده و از خوزستان تا خراسان، از کردستان تا لرستان، از بلوچستان تا آذربایجان، از کلان شهرهایی چون تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، کرمانشاه، کرج، اهواز، سنندج، مشهد، رشت و ... تا شهرهای کوچک و بزرگ همه استانهای کشور و حتی روستاهای کوچک، نظم فرتوت و ارتجاعی حاکم را به چالش کشیدند. جنبش سرنگونی در بلوچی کم نظیر، بحران و شرایط انقلابی را با فریادهای «مرگ بر دیکتاتور/ مرگ بر اصل ولایت فقیه/ جمهوری اسلامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم/ خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله/ سپاه جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند/ دیکتاتور سپاهی، داعش ما شمایی/ دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکاست/ سلیمانی قاتله، رهبر شمش خائنه/ مرگ بر این ولایت، این همه سال جنایت/ مرگ بر خامنه‌ای/ ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما و...» و در اشکال گوناگون تاکتیکیهای مبارزاتی نشان داده و به صراحت اعلام کرد: «بهبش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب.»

انقلاب سترگ و پرتوان ۱۴۰۱ در این چند ماه بر این واقعیت مَهر تایید زد که تضاد اصلی مردم ایران با رژیم حاکم در تمامیت آن است و این تضاد آشتی ناپذیر است. دو مولفه مهم در جامعه همچنان بر شرایط سیاسی حُکم می‌راند: حکومت قادر نیست به شکل گذشته حکمرانی کند و مردم نیز نمی‌خواهند به شکل گذشته زندگی کنند.

انقلاب جاری نشان می‌دهد که بر خلاف دیدگاه برخی از گروهها و شخصیت‌های سیاسی، تحریم و فشار خارجی نه مردم را منفعل می‌کند و نه آنان را در کنار استبداد مذهبی حاکم قرار می‌دهد. برای سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان و بیداری و روحیه انقلابی زنان و مردان ایران زمین و فداکاریهای اقشار مختلف مردم جای بسی افتخار و خرسندی دارد. شورای عالی سازمان ما به زودی دیدگاههای خود پیرامون زمینه‌ها و رویکردهای انقلاب جاری را به شکل مفصل تری اعلام خواهد کرد.

زنان و مردان آزادیخواه!

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در آغاز پنجاه و سومین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه‌های دار، در پیکار با دشمن در شهر و روستا و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می‌دارد. ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی مبارزه می‌کنند درود می‌فرستیم. ما یاد و نام تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواسته‌های ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند، به ویژه زنان، مردان، نوجوانان و کودکانی که در جریان جنبش انقلابی کنونی به شهادت رسیدند را گرامی می‌داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی و عقیدتی را ارج می نهد و همبستگی خود را با آنان اعلام می کند. ما همبستگی خود را با خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی اعلام کرده و به پایداری آنان ادای احترام می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان کمونیستی، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می دهد. در شرایط کنونی خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک نوین ایران است. این خواست، کانون ستیز (تضاد عمده) و گرانیگاه تحول جامعه ایران برای رهایی را تعریف می کند. از این رو ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم.

سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراها همآهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای همآهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۷ فوریه ۲۰۱۷)

برای تحقق این خواست ما از شورای ملی مقاومت ایران پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دمکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

«زنده باد انقلاب دمکراتیک نوین مردم ایران»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آدینه ۱۴ بهمن ۱۴۰۱ / ۳ فوریه ۲۰۲۳